



Constructing the Meaning of Spatial Exclusion: In the Conflict between Hope and Despair

Afsaneh Khajeh Salehani¹ | Maryam Ghazinejad² | Mansureh Aazam Azadeh³

1. Corresponding Author, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: afsane.khajesalehani@gmail.com
2. Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.. E-mail: m.ghazinejad@alzahra.ac.ir
3. Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: m.azadeh@alzahra.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 28 January 2025 Received in revised form: 14 May 2025 Accepted: 04 June 2025 Published online: 06 July 2025 Keywords: Pakdasht, Spatial Exclusion, Spatial Stigma, Social Hope/Despair, Thematic Analysis, Youth.	Urbanizing peripheries present a multifaceted challenge of spatial exclusion, which is influenced by individual responses and structural constraints. This paper investigates the manner in which spatial exclusion is perceived and navigated by youth (18–35) in Pakdasht, as well as its impact on their social pathways. Sixteen semi-structured interviews were conducted and analyzed thematically (Braun & Clarke). The framework is informed by Goffman's stigma, Harvey's spatial poverty, and theories of agency and social hope (Lueck, Bryant, & Ellard). The results indicate that exclusion is exacerbated by urban poverty, informal migrant settlements, deviance labels, inadequate infrastructure, and place-based stigma. These feelings of isolation and marginality are further exacerbated. However, the responses of young people are diverse: some internalize this marginality, while others resist by establishing new identities or remaining optimistic about their future success. The research underscores the necessity of multi-level action to address spatial exclusion in peri-urban fringes. This includes the development of inclusive urban-rural policies that address the socio-economic and cultural realities of young people, the reduction of despondency, and the enhancement of youth agency. These measures should reduce structural gaps, fight stigma, and empower local communities in planning. In conclusion, spatial exclusion in Pakdasht is not a static phenomenon; it is both reproduced through place-based inequalities and stigma and contested by youth resilience. It is essential to acknowledge the diverse strategies of young people, which range from surrender to resistance and hope, in order to develop more responsive rural-urban development plans. This research contributes to peri-urban studies by demonstrating how marginal spaces influence and are influenced by the agency and aspirations of youth.

Cite this article: Khajeh Salehani, A., Ghazinejad, M., & Azadeh, M. A. (2025). Constructing the Meaning of Spatial Exclusion: In the Conflict between Hope and Despair. *Community Development (Rural-Urban)*, 17(1),163-182. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.394631.668919>



Authors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.394631.668919>

برساخت معنایی طرد مکانی: در کشاکش امید و ناامیدی

افسانه خواجه صالحانی^۱ | مریم قاضی نژاد^۲ | منصوره اعظم آزاده^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: afsane.khajesalehani@gmail.com

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: m.ghazinejad@alzahra.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: m.azadeh@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۱۵ کلیدواژه‌ها: امید و ناامیدی اجتماعی، پاکدشت، تحلیل مضمون، جوانان، داغ‌نگ، طرد مکانی.	طرد مکانی یکی از چالش‌های چندبعدی در مناطق شهری و حاشیه‌ای است که در پیوند نیروهای ساختاری، سیاست‌های ناکارآمد و کنش فردی بازتولید می‌شود. این مطالعه به بررسی درک و تجربه جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال پاکدشت از طرد مکانی و اثرات آن بر مسیرهای زندگی و روابط اجتماعی‌شان می‌پردازد. برای این هدف، ۱۶ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با جوانان پاکدشت انجام گرفت و داده‌ها به روش تحلیل مضمون براساس رویکرد براون و کلارک تحلیل شدند. چارچوب مفهومی پژوهش با ترکیب نظریه داغ‌نگ گافمن، مفهوم فقر فضایی و سیاست‌های محروم‌ساز هاروی و نظریات عاملیت و امید اجتماعی (لوک، برایانت و الارد) تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد فقر شهری، تمرکز مهاجران در مناطق حاشیه‌ای، برچسب‌زنی‌های اجتماعی، ضعف زیرساخت‌های شهری و داغ‌نگ مکان از عوامل اصلی طرد مکانی در پاکدشت هستند. این شرایط به شکل‌گیری حس انزوا و حاشیه‌نشینی در جوانان منجر می‌شود. باین‌حال، واکنش آنان یکسان نیست. برخی با بازتعریف هویت و تقویت کنشگری جمعی مقاومت می‌کنند؛ درحالی‌که عده‌ای تسلیم ساختارهای محدودکننده می‌شوند یا همچنان به آینده‌ای بهتر امیدوارند. کاهش طرد مکانی مستلزم سیاست‌های جامع است که علاوه بر مقابله با نابرابری‌های ساختاری، به تقویت عاملیت جوانان، کاهش داغ‌نگ مکانی و توسعه مشارکت اجتماعی آنان کمک کند.

استناد: خواجه صالحانی، افسانه، قاضی نژاد، مریم و آزاده، منصوره اعظم (۱۴۰۴). برساخت معنایی طرد مکانی: در کشاکش امید و ناامیدی. توسعه محلی (روستایی-شهری). ۱۷ (۱): ۱۶۳-۱۸۲. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.394631.668919>



نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.394631.668919>

۱. مقدمه و طرح مسئله

گسترش پرشتاب جمعیت شهری و مهاجرت‌های بی‌رویه به کلان‌شهرها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، زمینه‌ساز تعمیق نابرابری‌های فضایی، فقر چندبعدی، افت کیفیت زیست‌محیطی و گسترش اشتغال ناقص شده است (مونتگومری^۱، ۲۰۰۸: ۷۶۱). برآوردها نشان می‌دهد نسبت شهرنشینی از ۵۷ درصد در سال ۲۰۲۱ به حدود ۶۶ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید؛ روندی که با تضعیف سرمایه اجتماعی در نخله‌های کم‌برخوردار، گسترش اقتصاد غیررسمی و تعمیق بحران مسکن همراه خواهد بود (برنامه اسکان بشر سازمان ملل، ۲۰۲۰). در ایران، اگرچه نهادهایی مانند وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور و شهرداری‌ها طبق ماده ۵۹ برنامه ششم توسعه (دفتر مطالعات زیربنایی، ۱۴۰۱) موظف به بازسازی کالبدی این محله‌ها هستند، اما شهرها همچنان به‌سوی رشد نامتوازن پیش می‌روند؛ فضاهایی شکل می‌گیرند که نه کاملاً درون شهرند و نه تماماً بیرون از آن، کوچه‌هایی که به شبکه‌های اصلی متصل نیستند و خانه‌هایی که عملاً از چرخه زندگی شهری کنار گذاشته شده‌اند. در چنین مکان‌هایی، امید به دگرگونی و ناامیدی از تثبیت وضع موجود، هم‌زمان و درهم‌تنیده زیست می‌شود. برخی چشم‌انتظار ترک فضا هستند، برخی دیگر به ماندن خو گرفته‌اند و برخی میان این دو قطب بالاتکلیف مانده‌اند. این پژوهش با رویکردی تفسیری و تمرکز بر تجربه زیسته ساکنان، در پی آن است که دریابد چگونه این فضاهای حاشیه‌ای به کانون‌های طرد و ناامیدی بدل می‌شوند و آیا امکان بازیافت نشانه‌هایی از بازسازی امید در آن‌ها وجود دارد یا نه.

در این مطالعه، مکان نه صرفاً بستری فیزیکی، بلکه عنصری فعال در ساختار اجتماعی در نظر گرفته شده که هم‌زمان در تعامل با عاملیت افراد، بر تجربه‌های زیسته آن‌ها اثرگذار است. از این منظر، مکان پدیده‌ای ایستا و ثابت نیست، بلکه در فرایندی پویا و مداوم، معانی، هویت‌ها و روابط اجتماعی را در خود بازتعریف می‌کند. به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای، مکان‌هایی که تحت انگ‌زنی و بدنام‌سازی مستمر قرار دارند، می‌تواند احساس انزوا، ناتوانی و طرد را تا اعماق تجربه‌های ذهنی و زیسته افراد گسترش دهد (کانتد و نیوهیسر^۲، ۲۰۲۳: ۷۲۵؛ وان رگمرت^۳ و همکاران، ۲۰۲۳: ۳۱۷؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۳۰). این وضعیت زمانی تشدید می‌شود که ناکارآمدی زیرساخت‌ها، تبعیض در دسترسی به خدمات اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های نابرابر فضایی نیز به آن دامن بزند (عظیمی، ۱۴۰۰: ۵۲۶؛ سجادیان و دامن‌باغ، ۱۴۰۰: ۷۶۴). در چنین بستری، مکان به یکی از سازوکارهای بازتولید طرد اجتماعی بدل می‌شود و موجب می‌شود جوانان ساکن این مناطق با اشکال توأمان محرومیت مادی، به‌حاشیه‌رانی اجتماعی و آسیب‌های روانی مواجه شوند (دای^۴، ۲۰۲۰: ۲۲۸). نتایج پیمایش ملی قاضی‌نژاد (۱۳۹۲: ۳۵) درخصوص طرد اجتماعی جوانان نیز نشان می‌دهد حدود نیمی از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در تهران و شهرهای پیرامونی در معرض طرد اجتماعی شزیادی قرار دارند و تجربه‌های متراکمی از محدودیت‌های عینی و ذهنی را درک می‌کنند.

طرد مکانی^۵ را می‌توان یکی از سازوکارهای بنیادین بازتولید نابرابری در شهر دانست؛ پدیده‌ای که در تلاقی فقر کالبدی و نابرابری اجتماعی شکل می‌گیرد. این وضعیت فقط حاصل کمبود زیرساخت و توزیع نامتوازن خدمات نیست، بلکه نتیجه فرایندهای معنا ساز مانند برچسب‌زنی (سجادیان و دامن‌باغ، ۶۵؛ قرشی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳)، روایت‌های رسانه‌ای و گفت‌وگوهای مسلطی است که به

1. Montgomery
2. Counted & Newheiser
3. Van Regenmortel
4. Dai
5. Spatial exclusion

شکل‌گیری ذهنیت طرد، انفعال و درونی‌سازی آن در میان ساکنان می‌انجامد. در این میان، تجربه زیسته جوانان در چنین فضاهایی، اغلب با حس تنهایی، ناامیدی و نوعی احساس «زندگی هدررفته» پیوند می‌خورد (باومن^۱، ۲۰۰۴: مقدمه). طرد مکانی، واجد وجوه ذهنی-تفسیری است و از رهگذر کنش‌های روزمره، برساخت‌های رسانه‌ای و بازنمایی‌های فردی معنا می‌یابد. این برساخت‌ها نشان می‌دهد چگونه ساکنان این فضاها در نسبت با شهر و نظم مسلط آن، مکان، هویت و جایگاه اجتماعی خود را تفسیر می‌کنند و طرد را از سطحی کالبدی به تجربه‌ای درونی‌شده تبدیل می‌کنند. زمانی که این وضعیت با محرومیت از فرصت‌های آموزشی، شغلی و مشارکت فرهنگی ترکیب شود، شدت و پیچیدگی طرد مکانی دوچندان می‌شود. در چنین شرایطی، واکنش افراد به‌ویژه جوانان در مرحله شکل‌گیری هویت به محیط یکسان نیست. عاملیت آن‌ها را نمی‌توان صرفاً امری فردی یا ارادی تلقی کرد، بلکه این عاملیت، به‌طور اساسی متأثر از زمینه‌های نهادی و سطح دسترسی به سرمایه‌های مادی و نمادین است (اسماعیل و اولونیساکین^۲، ۲۰۲۱: ۳۹۰).

در چنین بستری، پاکدشت به‌عنوان یکی از شهرهای اقماری تهران، نمونه‌ای بارز از استقرارهای حاشیه‌ای در فرایند شهرنشینی معاصر ایران است. نزدیکی به تهران، هزینه مناسب مسکن و وجود شهرک‌های صنعتی، پاکدشت را به مقصدی برای مهاجران داخلی و اتباع خارجی تبدیل کرده است (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۴). رشد سریع جمعیت در این شهرستان که طی کمتر از یک دهه به بیش از ۷۰۰ هزار نفر رسیده است (اختر، ۱۴۰۲)، همراه با سیاست‌های توسعه‌ای ناکارآمد و کمبود زیرساخت‌ها، موجبات تشدید حاشیه‌نشینی و طرد مکانی را فراهم کرده است. در کنار این عوامل، بازنمایی‌های رسانه‌ای منفی و فرایندهای بدنام‌سازی اجتماعی، ادغام ساکنان این نواحی در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی را دشوار ساخته و آن‌ها را از مشارکت فعال در حیات عمومی حذف کرده است (آزاده و خواجه‌صالحانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵؛ ولاجیمز و سیانس^۳، ۲۰۲۱: ۳).

مطالعه طرد مکانی در پاکدشت از آن‌رو اهمیت دارد که مکان نه‌فقط بستر زیستن، بلکه عاملی مؤثر در هویت‌یابی، فرصت‌های زندگی و مشارکت اجتماعی است. در شرایط نابرابری فضایی، سبک زیست و افق آینده جوانان محدود می‌شود و بی‌توجهی سیاست‌گذاری شهری به این متغیرها، طرد و انزوای اجتماعی را بازتولید می‌کند. تمرکز بر مقیاس محله‌ای، امکان بازسازی عدالت فضایی و کنش جمعی را فراهم می‌سازد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق با جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن پاکدشت، روشن می‌کند که آن‌ها چگونه موقعیت مکانی-اجتماعی خود را فهم می‌کنند و چه کنش‌هایی برای بازتعریف جایگاه و معنای مکان طردشده به‌کار می‌گیرند. پرسش اصلی آن است که آیا فضاهای حاشیه‌ای صرفاً عرصه طرد هستند یا می‌توانند در بستر کنش اجتماعی، به میدان‌هایی برای مقاومت، بازسازی امید و احیای پیوندهای اجتماعی تبدیل شوند.

یافته‌های نظری و تجربی مؤید آن است که ناامیدی اجتماعی در بافت‌های محروم می‌تواند پیوند اجتماعی ایجاد کند (کانند و نیوهیسر، ۲۰۲۳: ۷۲۹). عاملیت در بستر طرد، به بازتعریف هویت منجر می‌شود (وود^۴، ۲۰۱۵: ۱۵) و امید، هم به‌مثابه تاب‌آوری و هم کنش مقاومتی، قابل‌تحلیل است (داگن و مونیز^۵، ۲۰۰۹: ۲۷۶). بدین‌سان، مکان کنشگری است که در تعامل با فاعلان انسانی، تجربه طرد یا شمول را باز می‌سازد. این پژوهش با تأکید بر تحلیل دوسویه ساختار و عاملیت، در پی آن است که نشان دهد چگونه طرد مکانی، از یک سو با شرم اجتماعی، انزوای ارتباطی، کاهش اعتماد و ناامیدی همراه است و از سوی دیگر، می‌تواند به کنش مقاومتی، احیای امید و بازتعریف جایگاه اجتماعی از سوی جوانان بینجامد.

1. Bauman
2. Ismail & Olonisakin
3. Vela-Jiménez & Sianes
4. Wood
5. Duggan & Muñoz

۲. پیشینه پژوهش

در فضاهای شهری، معنا صرفاً از ویژگی‌های فیزیکی ناشی نمی‌شود، بلکه از بازنمایی‌های اجتماعی و تجربه‌های زیسته افراد شکل می‌گیرد (حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۷۶). فضاهایی مانند محله‌ها یا مسیرها، در دل روابط اجتماعی معنادار می‌شوند و می‌توانند به مثابه بسترهای طرد یا مشارکت عمل کنند. به زعم مدنی‌پور (۲۰۲۰)، فضا نه تنها ساختاری اجتماعی است، بلکه عامل شکل‌گیری تجربه‌های متنوعی از طرد در سطوح زمانی مختلف است؛ تجربه‌ای که با کاهش فرصت‌ها، ناامیدی را تشدید و مشارکت اجتماعی را تضعیف می‌کند.

طرد مکانی یکی از ابعاد مهم طرد اجتماعی در جوامع شهری است که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را در مناطق محروم تشدید (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۹)، دسترسی به فضاهای اجتماعی و اقتصادی را محدود و روابط اجتماعی را تضعیف می‌کند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲؛ هاشمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴). هاروی آن را محصول سیاست‌های سرمایه‌داری می‌داند که سرمایه‌گذاری‌ها را به نفع گروه‌های خاص متمرکز و مناطق فقیر را محروم می‌کند (حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۷۸). قاضی‌نژاد (۱۳۹۲: ۳۵) طرد جوانان را نشانه ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران می‌داند و مدنی‌پور (۲۰۲۰) معتقد است به کاهش اعتماد اجتماعی، افزایش شکاف‌ها و ناامیدی منجر می‌شود.

طرد مکانی در محله‌های فقیر و کم‌برخوردار، با تضعیف انسجام اجتماعی و گسترش احساس ناامیدی همراه است؛ به‌ویژه در جوامعی با بحران‌های اقتصادی و سیاسی که سرخوردگی ساختاری را تشدید می‌کنند. باومن (۲۰۰۴: مقدمه) در مفهوم «زندگی هدررفته»، طرد مکانی را نه فقط نوعی حذف فیزیکی، بلکه شکلی از به‌حاشیه‌رانی اجتماعی می‌داند. در همین راستا، کراوز و همکاران^۱ (۲۰۱۲: ۴۳۷) نشان دادند فقر و خشونت در محله‌ها، احساس ناامیدی را تشدید می‌کند. بریثویت^۲ (۲۰۰۴: ۱۳۵) و بیشاپ و ویلیس^۳ (۲۰۱۴: ۷۸۳) نیز تأکید می‌کنند که در زمینه‌های نابرابر، امید اجتماعی - یعنی باور به اهداف جمعی و امکان تحقق آن‌ها - تحت تأثیر طرد و محدودیت‌های ساختاری، آسیب می‌بیند. استاکدال^۴ (۲۰۱۹: ۴۰) نیز پیوند امید را با موقعیت اجتماعی افراد برجسته می‌سازد. یافته‌های داخلی نیز این روند را تأیید می‌کنند؛ چنان‌که محمدی و اداک (۱۳۹۸: ۱۵۷) مضامینی مانند رهاشدگی و بی‌اعتمادی را نشانه‌های رنج اجتماعی ناشی از فقر فضایی می‌دانند. همچنین، حمیدی و همکاران (۱۴۰۳: ۱۶۲) نشان داده‌اند که برخورداری اقتصادی و جایگاه اجتماعی ذهنی، به‌ویژه در سطح جمعی، نقش مؤثری در تقویت نشاط اجتماعی دارد.

امید اجتماعی در فضاهای حاشیه‌ای معمولاً تضعیف می‌شود، اما می‌تواند منبعی برای تاب‌آوری و بازسازی جمعی باشد. داگن و مونیز^۵ (۲۰۰۹: ۲۷۸) نقش امید را به‌عنوان نیروی مقاومتی در برابر نابرابری‌های ساختاری برجسته می‌کنند و وود (۲۰۱۵: ۱۲) بر عاملیت جوانان در فرایندهای اجتماعی تأکید دارد. ماینز^۶ (۲۰۱۱) قطع امید را تغییر رابطه فرد با آینده تعریف می‌کند. کاتند و نیوهیسر (۲۰۲۳: ۷۲۹) محدودیت‌های مکانی و اقتصادی را عامل کاهش امید می‌دانند، اما تأکید می‌کنند که ناامیدی مشترک می‌تواند پیوندهای اجتماعی و حس تعلق را تقویت کند. همچنین محمدی و همکاران (۱۴۰۰: ۱۹۶-۱۹۷) به اهمیت هویت

1. Krause, N., Liang, J., & Xu, J.
2. Brathwaite
3. Bishop, E. C., & Willis, K.
4. Stockdale
5. Duggan, L., & Muñoz, J. E.
6. Mains

محله‌ای در کاهش طرد و تقویت تعلق اشاره دارند. از سوی دیگر، عظیمی و همکاران (۱۴۰۲، ۳۲۷) و مشایخی و همکاران (۱۴۰۱: ۲۲۷۴) کیفیت حکمرانی، اعتماد و امنیت را از عوامل کلیدی افزایش امید معرفی می‌کنند؛ درحالی‌که احساس بی‌قدرتی و نابرابری تأثیر منفی دارند.

بر همین اساس، طرد مکانی پدیده‌ای پیچیده است که واکنش‌های متفاوتی در افراد ایجاد می‌کند. بارس^۱ (۲۰۱۴: ۶) نشان می‌دهد در مناطق محروم، تجربه‌های محلی موجب اشکال متنوعی از آرزو می‌شود که فراتر از خواسته‌های کوچک است. مکان علاوه بر بستری برای امید و آرزو، فضایی برای شکل‌گیری هویت، تعلق و امید اجتماعی است. این مطالعه بر فهم طرد مکانی و ناامیدی اجتماعی تأکید دارد؛ زیرا مکان به‌عنوان ابزاری فرهنگی و تخیل اجتماعی، کنش و تفسیر ساکنان را شکل می‌دهد (جونیلینن، ۲۰۲۰: ۴۶) که شامل محرومیت اجتماعی-فضایی و کاهش فرصت‌های آینده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با هدف فهم عمیق تجربه‌های زیسته جوانان از طرد مکانی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن در شهر پاکدشت انجام شده است. تمرکز پژوهش نه بر تعمیم‌پذیری، بلکه بر بازنمایی لایه‌های معنایی پنهان در روایت مشارکت‌کنندگان است. داده‌ها از طریق ۱۶ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن محله‌های مختلف پاکدشت گردآوری شدند. مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند از فضاهای عمومی مانند پارک، کتابخانه، محل کار و مراکز خرید انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها بر پایه رویکرد تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) صورت گرفته است که امکان استخراج مضامین مفهومی را در پژوهش‌های کیفی فراهم می‌سازد.

به‌منظور ارتقای اعتبار پژوهش، در مرحله گردآوری داده، هر مصاحبه چندین بار شنیده، مکتوب و بازخوانی شد تا اشباع مفهومی حاصل شود. ایده‌های مفهومی اولیه در حین بازخوانی یادداشت شدند. داده‌ها عمدتاً براساس تحلیل مصاحبه‌های قبلی هدایت شد و فرایند کدگذاری با ترکیبی از رویکرد قیاسی (برمبنای چارچوب نظری) و استقرایی (مبتنی بر داده‌های خام) انجام گرفت تا هم انسجام نظری و هم اصالت تجربه‌های مشارکت‌کنندگان حفظ شود. واحد تحلیل، گزاره‌ها و پاراگراف‌های دارای معنای مستقل بود که با کدگذاری در خوشه‌های مفهومی، پالایش مضامین و تعریف مفهومی آن‌ها، ساختار منسجمی برای بازنمایی معنایی طرد مکانی و پیامدهایش شکل گرفت. مضامین نهایی در چارچوب اهداف پژوهش تحلیل و تفسیر شده‌اند.

برای تقویت مقبولیت^۲، فرایند تحلیل با بازبینی مستمر داده‌ها، بازنگری کدها و تطبیق آن‌ها با متن مصاحبه‌ها همراه بود. همچنین از پایایی^۳ با مستندسازی دقیق مراحل تحلیل، ثبت مسیر تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA-2024 برای مدیریت و نظم‌بخشی داده‌ها اطمینان حاصل شد. در راستای قابلیت تأیید^۴ تلاش شد یافته‌ها مبتنی بر استدلال تحلیلی شفاف و اتکاپذیر به شواهد تجربی باشد. همچنین با ارائه توصیف غنی از زمینه‌های مکانی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت‌کنندگان، امکان انتقال‌پذیری^۵ یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه فراهم شد.

1. Baars
2. credibility
3. dependability
4. confirmability
5. transferability

۴. یافته‌ها

۴-۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

جدول ۱ بیانگر ویژگی‌های پاسخگویان شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، اشتغال و مدت سکونت آنان است.

جدول ۱. مشخصات پاسخگویان

مدت سکونت (سال)	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	سن	جنس	مصاحبه‌شونده
بومی	فروشنده	مجرد	۲۵	مرد	رضا
۱۱	سالن زیبایی	متاهل	۲۰	زن	هانیه
۱۰	دانشجو	مجرد	۲۰	زن	مانده
۵۰	سالن زیبایی	مجرد	۲۱	زن	نگین
۱۸	دانشجو و شاغل	مجرد	۲۰	زن	مانیا
بومی	شاغل	مجرد	۲۰	زن	زهرا
۱۳	سرباز	مجرد	۱۹	مرد	سامان
۴	فروشنده	مجرد	۲۸	مرد	مجید
۶	خانه‌دار	متاهل	۳۴	زن	الهه
۱۲	فروش اینترنتی	متاهل	۳۲	زن	مسیحا
۲۰	مهندس	متاهل	۲۸	زن	نسیم
۱۸	بیکار	مجرد	۲۰	زن	مبینا
۴۴	مدیر آموزشگاه زبان	مجرد	۲۸	مرد	افشین
۳۵	معاملات ماشین و ملک	مجرد	۳۴	مرد	علی
قبل تولد	پشت‌کنکوری	مجرد	۱۸	مرد	محمد رضا
۱۴	مهندس ساختمان	مجرد	۲۴	مرد	مصطفی

گروه سنی مصاحبه‌شوندگان از ۱۸ تا ۳۴ سال است. اغلب آنان مجرد هستند. مدت سکونت پاسخگویان ترکیبی از بومی‌ها، مهاجران با مدت سکونت طولانی و تقریباً طولانی و نومهاجران است.

۴-۲. ابعاد طرد مکانی

طرد مکانی یکی از ابعاد طرد اجتماعی در شهرها است که نووسیلکی^۲ (۲۰۱۲: ۳۷۹-۳۸۰) آن را محرومیت گروه‌ها از فرصت‌ها و خدمات شهری به دلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فضایی می‌داند و مفهومی فراتر از حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است که علاوه بر شرایط فیزیکی (حاشیه‌نشینی) و حقوقی (اسکان غیررسمی)، محرومیت اجتماعی و انگ سکونت را نیز شامل می‌شود (دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱: ۵-۷؛ طاهرخانی و یزدانفر، ۱۳۹۹: ۹۵). جدول ۲ کدهای مفهومی مرتبط با مضمون «طرد مکانی» را نشان می‌دهد.

۱. بومی از نوادگان اولیه ساکنان آن منطقه است؛ پیوند تاریخی، فرهنگی و اجتماعی با آن سرزمین دارد و از طریق آن خود را از دیگران غیربومی متمایز می‌کند.

جدول ۲. مضامین مرتبط با طرد مکانی

مضمون	مضامین فرعی	کدگذاری اولیه
طرد مکانی	داغ‌نگ مکان	تمایز بین ما و دیگران (مهاجران قدیمی و مهاجران جدید)، ما در مقابل دیگری (سه سال پیش اومدی و...)، غریب‌کشن (خودی و دیگری)
		برچسب درونی (منطقه سمی، زباله‌دونی، محله بی‌نظم، محله‌ای پر از مشکلات، محله په مشت دزد و قاچاقچی، ناهنجاری‌های اجتماعی افراد، محدودیت روابط، تفکیک براساس قومیت، نماد بی‌احترامی اجتماعی، نماد بی‌ارزشی همیشگی، تصویر منفی و تحقیرآمیز از محله، محیط بی‌فرهنگ، مرجع شایعات یک نفر قدیمی (مهر تأیید بر کلیشه‌ها) و کم‌ارزش)
		کلیشه رسانه‌ای (رفتن به بیابون‌های پاکدشت برای خلاف، آمار جرم و خشونت بر تصویر عمومی پاکدشت)
		ذات پاکدشت زباله‌دانی است (انگ هویتی)
		تبعیض مبتنی بر محل سکونت فرصت ازدواج
		تصور کلیشه‌ای و تحقیر فرد درمورد مکان زندگی جای پسرقت (برچسب بیرونی)
		مسیر طولانی و دوربودن از خدمات
	ناکارآمدی زیرساختی	زیرساخت‌های شهری نامناسب (سرانه فضای سبز و سرانه آموزش)
		ناکارآمدی مدیریت شهری و توسعه زیرساخت‌ها
		اختلال در دسترسی به خدمات شهری
		چندفرهنگی و تضادهای قومی در محله
	ناهنجاری‌های اجتماعی محله	بستر محله‌های جرم‌خیز و موادفروشی
		تنش و درگیری‌های بی‌معنی و دعوای بد
		رشد بی‌رویه جمعیت و مهاجرت
	مهاجرنشینی	حاشیه‌نشینی اجتماعی (حضور اتباع خارجی به‌ویژه اتباع بی‌مدرک)، کمبود یک الگوی اجتماعی مثبت (محرومیت رسیدن به فرصت‌های اجتماعی و اجتماعی بالا) و نبود نماد طبقه بالا در مدارس حاشیه (نبود طبقه اجتماعی بالا)
		اقتصاد غیررسمی (فقر)
	فقر شهری	نمود بیرونی فقر
		چرخه فقر در محله
		فقر و ناامنی اقتصادی

داغ‌نگ مکان^۱: واکان^۲ (۲۰۲۳: ۸۱) داغ‌نگ مکان را فرایندی نمادین می‌داند که با اتکا به عوامل زمینه‌ای مانند فقر، قومیت، انزوای فضایی و جرم و از طریق کنش متخصصان نمادین مانند سیاستمداران و رسانه‌ها شکل می‌گیرد. این داغ‌نگ از طریق برچسب‌گذاری‌های داخلی یا بیرونی، تصورات منفی درباره مکان را بازتولید می‌کند. باتلر-وارک^۳ (۲۰۱۹: ۳) نیز تأکید دارد که تحلیل این برچسب‌زنی‌ها باید در بستر تاریخی صورت گیرد، نه صرفاً براساس ویژگی‌های معاصر. در ادامه، بخشی از اظهارات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها آورده شده است که تجربه‌های آنان را درباره موضوع مورد بررسی بازنمایی می‌کند: «الان من چه‌جوری تعریف کنم آخه؟ یه مشت دزد و قاچاقچی و خفت‌گیر یا مثلاً پاکارش که همه معتادان توی کوچه‌ای که ما زندگی می‌کنیم همیشه سر کوچه‌ش دعوا بود. من بچه بودم، زیاد نمی‌دونستم، ولی از یه سری‌ها می‌شنیدم. بخوام دونه دونه براتون اسم لات‌ها و

1. Spatial Stigma
2. Wacquant
3. Butler-Warke, A.

خفت گیرها رو بگم تا صبح طول می کشه. سر کوچه مون همیشه یه پرایدی وای میستاد تو کوچه مواد می کشید. ۹۰ درصد دوست‌هایی که تو کودکی داشتیم، الان همه شون یا معتادان یا مواد و الکل می فروشن» (محمدرضا، ۱۸ ساله، بیکار، از بدو تولد ساکن پاکدشت). در این زمینه، داغ‌ننگ محله نه تنها به جدایی فرد از دیگران می‌انجامد، بلکه خود محله نیز به عنوان ابژه‌ای داغ‌خورده، زمینه‌ساز طرد اجتماعی ساکنان می‌شود. پژوهش آزاده و خواجه‌صالحانی (۱۳۹۴: ۱۱۵) نشان می‌دهد این داغ‌ننگ، عامل اصلی در شکل‌گیری طرد اجتماعی ارادی در پاکدشت است. برچسب‌های اجتماعی نیز با تأثیرگذاری بر هویت فردی، به تشدید تمایزات اجتماعی می‌انجامد. نقل‌قول‌های زیر بازتابی از روایت‌های شخصی دربارهٔ تجربیاتشان در مواجهه با این مسئله است: «اینکه داریم تو یه محیط بی‌فرهنگ زندگی می‌کنیم» (مائده، ۲۰ ساله، دانشجو، ۱۰ سال ساکن پاکدشت). «کلاً این منطقه خیلی منطقه سمی‌یه برای من، من کلاً حال نمی‌کنم با این منطقه واقعاً» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

مصاحبه‌شوندگان با واژگانی مانند «بی‌فرهنگ» و «سمی» از برچسب‌هایی سخن می‌گویند که هویت فردی و اجتماعی ساکنان را تحقیر می‌کنند و از سوی دیگر مناطق نیز بازتولید می‌شوند. این برچسب‌ها به‌ویژه از سوی ساکنان دیگر مناطق، در بازتولید تصویر منفی از این محله نقش دارند؛ به‌عنوان نمونه: «زباله‌دونی تهران» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت). برچسب‌های مکانی، طرد و بی‌ارزشی منطقه را بازنمایی می‌کنند و درمورد پاکدشت، این تصور نه تنها ناشی از واقعیت‌های عینی، بلکه حاصل بازنمایی‌های رسانه‌ای و تصورات جمعی است: «یه سکانس فیلم بود، نوید محمدرزاده می‌گفت می‌برمت بیابون‌های پاکدشت. یه همچین چیزی. چه بخوایم چه نخوایم، پاکدشت جلوهٔ زیاد خوبی نداره. آمار قتل و چاقوکشی تو پاکدشت می‌گن نسبت به محیط کوچیکی که داره زیاده» (مائده، ۲۰ ساله، دانشجو، ۱۰ سال ساکن پاکدشت).

یافته‌های نوری و همکاران (۱۴۰۳: ۳۳۰) نشان می‌دهد فرایندهای بدنام‌کننده با تضعیف سوبرکتیویته و آسیب به هویت فردی، موجب احساس شرم، ناامیدی و انزوای اجتماعی ساکنان می‌شود.

ناکارآمدی زیرساختی: راجرز و اونیل^۱ (۲۰۱۲: ۴۰۲) زیرساخت‌ها را ابزاری برای سازمان‌دهی اجتماعی می‌دانند که بر توزیع منابع و فرصت‌ها اثر می‌گذارد. نارسایی در خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و مدیریت شهری، از نشانه‌های طرد مکانی است. این وضعیت می‌تواند به تداوم نابرابری، تضعیف حقوق شهروندی، آسیب‌های عاطفی و کاهش مشارکت اجتماعی بینجامد (باومن و یاکوبی^۲، ۲۰۲۲). برش‌های زیر نمونه‌هایی از بازنمایی ناکارآمدی زیرساختی در زندگی روزمرهٔ مشارکت‌کنندگان اند: «تردد خیلی خیلی زیاد ماشین‌هایی که از تهران و جای دیگه می‌آن هم یه معضلی شده. یه ترافیکی رو به‌وجود می‌آره... بینید مسئولان ما از احداث یه کمربندی، حدود ۱۵ ساله، یه کمربندی برای جادهٔ امام رضایی که این همه تردد هستش، جادهٔ ترانزیتی به قول معروف به‌شدت پرتردد و شلوغ عاجزند» (علی، ۳۴ ساله، معاملات ماشین و ملک، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

پاکدشت به محلی برای عبور و مصرف تبدیل شده و نه مکانی برای زندگی و رفاه که به شکل‌گیری شهروندی درجهٔ دوم با نادیده‌گرفتن حق دسترسی برابر به خدمات و فضاهای عمومی منجر می‌شود. در نتیجه ساکنان برای جبران کمبود خدمات، ناچار از خرید راه‌حل‌های خصوصی می‌شوند و با فشار مالی و محدودیت‌های بیشتری مواجه‌اند: «من خودم هیچ امکانات تفریحی‌ای اینجا برای خودم نمی‌بینم. یه سینمای ساده اگه بخوام برم باید دو ساعت تو راه باشم» (مائده، ۲۰ ساله، دانشجو، ۱۰ سال ساکن پاکدشت).

1. Rodgers & O'Neill

2. Bauman & Yacobi

این ناکارآمدی زیرساختی منعکس‌کننده عملکرد «عمیقاً پیش‌پاافتاده» و «خسته‌کننده» خدمات عمومی است، اما اثرات آن می‌تواند ویرانگر باشد (باومن و یاکوبی^۱، ۲۰۲۲). تمرکزگرایی شهری موجب نابرابری در توزیع منابع و محرومیت حومه‌ها می‌شود و بحران حاکمیت محلی با نبود تصمیم‌گیری کارآمد، تضاد بین ساکنان و مدیریت را تشدید می‌کند. این ادراکات علاوه بر بازتاب واقعیت، به بازتولید طرد مکانی و شکل‌گیری هویت مکانی منفی و کاهش تعلق مکان کمک می‌کنند.

ناهنجاری‌های اجتماعی محله^۲: ناهنجاری‌های اجتماعی محله به بروز مشکلاتی مانند خشونت، جرم، اعتیاد و فساد در فضای محلی و ساختارهای اجتماعی زمینه‌ساز آن اشاره دارد. بینکن و بلوکلند^۳ (۲۰۱۳) معتقدند فضاهای عمومی، به‌ویژه خیابان‌ها، از طریق تعاملات روزمره، تجربه طرد اجتماعی را ایجاد می‌کنند و تحلیل این تعاملات به فهم عمیق‌تر تجربیات اجتماعی کمک می‌کند. در برخی گفتارها، طرد مانند زخمی مزمن و همیشگی بازنمایی می‌شود: «اصلاً پاکدشت وضعیتش درست نمی‌شه و توش همیشه موادفروش بوده، دعوای بسیار بد بوده. اصلاً دعوا سر چیزهای خیلی مسخره» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

«من وقتی بچه بودم ۱۵ نفر تو کوچه‌مون دوست بودیم. الان از اون ۱۵ نفر فقط ۹ نفرشون سر مواد فوت کردن» (محمدرضا، ۱۸ ساله، بیکار، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

اظهاراتی مانند «پاکدشت هیچ‌وقت درست نمی‌شود» و «دعوای مسخره» نشان‌دهنده بحران هویت جمعی و داغ‌نگ اجتماعی ساکنان است. بافت چندفرهنگی پاکدشت می‌تواند مزیت فرهنگی باشد، اما نبود ادغام اجتماعی مناسب می‌تواند به تضادهای قومی، ناهماهنگی اجتماعی و بروز خشونت‌های اجتماعی منجر شود. در همین زمینه افشین عنوان می‌کند: «پاکدشت پر از آدم‌های جورواجوره. چی بهش می‌گن تو انگلیسی؟ بهش می‌گن *Cosmopolitan*. از همه شهرها و همه قومیت‌ها تو این منطقه هستن. حالا باعث می‌شه یه مقدار تضاد پیش بیاد... می‌دونید که پارک لرکده، ترک‌آباد، این‌ها اسم‌هایی هست که روی محله‌ها می‌ذارن» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

نام‌گذاری محله‌ها مانند ترک‌آباد یا لرکده حس تمایز «ما» و «آن‌ها» را تقویت می‌کند و نارضایتی متقابل را افزایش می‌دهد (واکر^۴، ۲۰۱۴: ۱۰۳۳) که ایجادکننده داغ‌نگ است.

مهاجرنشینی: مهاجرنشینی به فرایند مهاجرت افراد از مناطق مختلف به شهرها و حاشیه‌های آن‌ها و ظهور مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن اشاره دارد. روایت‌های مصاحبه‌شونده‌ها حاکی از ترکیب پیچیده عوامل فردی، ساختاری و فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی و پیامدهای ناشی از آن است: «من تا ده سالگیم تهران بودم. بابام محل کارش اینجا بود. به‌خاطر اینکه اون راحت‌تر باشه واسه رفت‌وآمد، اومدیم اینجا» (مائده، ۲۰ ساله، دانشجو، ۱۰ سال ساکن پاکدشت).

مهاجرت به حاشیه اغلب اجبار اقتصادی است و نه انتخاب فرصت‌محور. این مناطق پیش از ورود مهاجران به‌طور ساختاری طرد شده‌اند و ویژگی‌هایی مانند حاشیه‌نشینی و مهاجرنشینی دارند. علاوه بر مهاجران ایرانی، حضور اتباع خارجی به‌ویژه افغان‌ها در حاشیه‌هایی مانند پاکدشت، به‌دلیل سیاست‌های مهاجرتی ناکارآمد، شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه میزبان ایجاد کرده است. روایت زیر بعد دیگری از زندگی در نخله‌های مهاجرپذیر را برجسته می‌سازند: «کلیت بخوای حساب کنی، به‌خاطر مسئولان نالایی

1. Baumann & Yacobi
2. Social anomalies
3. Binken & Blokland
4. Walker

شرایطی که به وجود آوردن، مثلاً مهاجرپذیر بودن مخصوصاً از اتباع که به شدت هم از نوع بی هویت و بی مدرکشون زیاد شده تو سطح شهرستان. این مشکلات شهرستان پاکدشت هست» (علی، ۳۴ ساله، معاملات ماشین و ملک، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

پاکدشت به عنوان منطقه‌ای با هزینه زندگی کمتر، حضور مهاجران بی هویت و بی مدرک، محل سکونت اجباری برای اقشار کم درآمد و موجب تراکم جمعیت و در عین حال، کاهش کیفیت زندگی و افزایش نگرش‌های منفی در این منطقه شده است.

فقر شهری: طرد مکانی علاوه بر بعد فیزیکی، به طور عمیق با فقر شهری و نابرابری‌های اجتماعی پیوند دارد (نووسیلسکی^۱، ۲۰۱۲: ۳۷۵) و در قالب مضمون «فقرای شهری» در مناطق حاشیه‌ای به روشنی نمود می‌یابد. در ادامه، برخی روایت‌ها زوایای پنهان‌تری از زیست اجتماعی افراد طرد شده را در این زمینه نمایان می‌کنند: «قدیمی اینجاییم... جزو اولین کسانی هستیم که حالا به جز بومی‌ها تقریباً شاید نزدیک به ۴۰-۴۵ سال می‌شه تو این منطقه زندگی می‌کنیم. تو کل سال‌های تحصیل (تو پاکدشت) یه خانواده پزشک تو مدرسه مون نبود... مردمش به جز بومی‌هاش قشر معمولاً ضعیف‌تر کارگرد... سطح دغدغه‌ها خیلی متفاوت. زمانی که یکی مثلاً فکر مهاجرت داره، اون یکی فکر اینکه که به فرض می‌گم بهتون اینکه که آقا بریم از کجا کشمش ارزون بخریم عرق بندازیم و عرق بفروشیم. این قدر پاکدشت متفاوت آدامش» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

در این منطقه، فقر ناشی از محدودیت‌های اقتصادی، نه فقط تجربه‌ای فردی، بلکه درکی جمعی است که ساکنان آن را زیست می‌کنند؛ وضعیتی که هم‌زمان فقر شهری و طرد مکانی را بازنمایی می‌کند. در مصاحبه زیر رگه‌هایی از رنج تجربه شده در مواجهه با طرد دیده می‌شود: «بالاخره چیزهایی که تو مسیر آدم می‌بینی فقر (همراه با تأکید فراوان) رو به چشم دیدنه اینجا فقر خیلی عیانه» (مصطفی، ۲۴ ساله، مهندس ساختمان، ۱۴ سال ساکن پاکدشت).

فقر عیان نیز در مناطق حاشیه‌ای، نشانه‌ای از بحران‌های اجتماعی و ناتوانی در دسترسی به فرصت‌ها است که به تعمیق طرد مکانی می‌انجامد. بر همین اساس، پاسخگویان روایت‌هایی شخصی اما حامل بار اجتماعی سنگینی را به اشتراک گذاشتند: «اینجا ماشینو پارک می‌کنن رأی‌ها رو می‌خرن. انقدر مردم تو فقر مطلق زندگی می‌کنن که حاضرین با ارزان‌ترین حالت ممکن رأی‌هاشونو بفروش» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

این رفتار بازتاب درهم‌تنیدگی فقر اجتماعی و سیاسی در حاشیه شهرها است و از ویژگی‌های فقر شهری به شمار می‌رود که پیامدهای آن فراتر از اقتصاد، در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز نمایان می‌شود. براساس مصاحبه‌ها طرد مکانی در پاکدشت را می‌توان در ابعاد درهم‌تنیده^۲ در کیفیت پایین زیرساخت‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی، مهاجرنشینی، انگ زدن به مناطق خاص و تمرکز فقر دید (جدول‌های ۲ و ۳).

1. Nowosielski

۲. تحلیل هم‌پوشانی کدها در این پژوهش برای سنجش شدت و تعامل میان ابعاد طرد مکانی به کار رفت. این هم‌پوشانی‌ها به صورت عددی و با طیف رنگی از آبی (کمترین) تا قرمز (بیشترین) نمایش داده شد تا روابط پیچیده میان کدها دقیق‌تر تحلیل شود.

جدول ۳. ماتریس روابط درون گروهی برخی از کدهای مهم ابعاد طرد مکانی^۱

مهاجرنشینی	ناهنجاری های اجتماعی محله	ناکارآمدی زیرساختی	داغ ننگ مکان	کدهای مربوط به طرد مکان
داغ ننگ مکان				
۰	۰	۰	۱	طرد درون گروهی بین مهاجران
۳	۳	۰	۹	ذات پاکدشت زباله دانی است
۳	۳	۰	۹	بی ارزش بودن این منطقه
۳	۳	۰	۹	کم ارزش
۳	۳	۰	۹	تفکیک براساس قومیت
۳	۳	۰	۹	تمایز بین ما و دیگران
۰	۰	۰	۱	ما در مقابل دیگری (سه سال پیش اومدی و...)
۳	۳	۰	۹	محله ای پر از مشکلات
۳	۳	۰	۹	محله بی نظم
۳	۳	۰	۹	منطقه سمی
۳	۳	۰	۹	نماد بی ارزشی همیشگی
۳	۳	۰	۹	نماد بی احترامی اجتماعی
ناکارآمدی زیرساختی				
۲	۰	۰	۰	اختلال در دسترسی به خدمات شهری
۲	۰	۲	۰	زیرساخت های شهری نامناسب
۲	۰	۲	۰	فشار بر زیرساخت ها و کاهش کیفیت خدمات
۲	۰	۲	۰	ناکارآمدی مدیریت شهری و توسعه زیرساخت ها
ناهنجاری های اجتماعی محله				
۳	۲	۰	۱۰	چند فرهنگی و تضادهای قومی در محله
۳	۲	۰	۱۰	تنش و درگیری های بی معنی
۳	۲	۰	۱۰	موادفروش و دعوای بد
مهاجرنشینی				
۲	۳	۰	۱۰	کمبود یک الگوی اجتماعی مثبت
۲	۳	۰	۱۰	نبود نماد طبقه بالا در مدارس حاشیه
۰	۰	۲	۰	حضور اتباع خارجی به ویژه اتباع بی مدرک
۰	۰	۳	۰	رشد بی رویه جمعیت و مهاجرت
۲	۳	۰	۱۰	مهاجرت
فقرای شهری				
۳	۳	۰	۱۰	فقر ضعیف (فقر)
۳	۳	۰	۱۰	حاشیه نشینی طبقات اجتماعی پایین تر

۱. شدت هم پوشانی ها با رنگ های برجسته و مقادیر عددی نمایش داده شده است؛ مقادیر زیاد (۷ و ۸) نشانگر ارتباط قوی میان ابعادی مانند داغ ننگ مکان اند، مقادیر متوسط (۳ و ۴) تعامل میانه و مقادیر کم (۱) رابطه ضعیف اما معنادار را نشان می دهند.

ادراک جوانان از آینده و میزان امید یا ناامیدی‌شان، نتیجه تعامل ساختارهای اجتماعی و کنشگری آن‌ها است. از این‌رو، طرد مکانی نه تنها یک وضعیت مکانی، بلکه پدیده‌ای زمان‌مند است (مدنی‌پور، ۱۴۰۰) که می‌تواند سبب انسداد درک زمان اجتماعی و ناامیدی اجتماعی شود، اما در صورت امکان کنشگری، امید اجتماعی فعال می‌شود.

۳-۴. پیامدهای طرد مکانی

«مکان» هم به فرایند درک طرد و هم به پیامدهای آن اشاره دارد. در میان جوانان پاکدشت، دو مسیر متضاد اما مرتبط دیده می‌شود: یکی روایت ناامیدی ناشی از طرد مکانی و دیگری روایت بر ساخت امید که هردو ساختار و کنش‌های اجتماعی-فرهنگی این گروه را شکل می‌دهند. در ادامه، این دوگانگی مرتبط با یکدیگر بررسی می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴. مضامین مرتبط با پیامدهای طرد مکانی

مضمون	مضامین فرعی	کدگذاری اولیه
پیامدهای طرد مکانی	ناامیدی	عدم اطمینان درباره آینده، مسدود شدن مسیر پیشرفت، ناامیدی از تغییر، احساس شکست در تغییر وضعیت، حس یأس و ناتوانی در تغییر، ناامیدی فراگیر و شدید از شرایط بیرونی، نداشتن امید به بهبود وضعیت زندگی، ناکارایی اعتراضات فردی در برابر فشار اجتماعی، ابهام نسبت به آینده، نگرانی از پیش‌بینی‌ناپذیری، ناامیدی از پیدا کردن شغل پس از تحصیل، ترس از ادامه‌دار بودن چرخه طرد و انتقال آن به نسل بعد، بازنمایی تاریخی و نهادی مشکلات: میراث «پی ریخته‌شده»، چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مستقل از مکان جغرافیایی
	امید به تغییر	فرصت برای بازسازی، زندگی در حال حاضر و برنامه‌ریزی برای آینده، خوش‌بینی به آینده، آغاز آرمان‌گرایی برای تغییر یا امید برای تغییر، تلاش و مبارزه شخصی برای مقابله با ناامیدی، اعتماد به قدرت بالاتر و تسلیم، تقویت مقاومت از طریق باور معنوی، امید به تغییر و تلاش برای بهبود

ناامیدی اجتماعی^۱: هج^۲ (۲۰۰۳) امید را منبعی از تخیلات جمعی درباره آینده فردی و اجتماعی می‌داند که به‌طور نابرابر در جامعه توزیع می‌شود. همچنین محله‌های گرفتار فقر، بیکاری و خشونت، افراد را بیشتر به ناامیدی می‌کشاند. در چنین شرایطی، کسانی که طرد مکانی را تجربه می‌کنند، احساس می‌کنند تلاش‌ها و اعتراضاتشان بی‌نتیجه است. روایت زیر پیوند میان طرد و احساس بی‌ارزشی را بازتاب می‌دهد: «گاهی دوران جوونی حس می‌کردم که شورای شهر پاکدشت بدونم یه روزی و مثلاً پیام به آبادانی و پیشرفت پاکدشت فکر کنم. دیدم نه... و اصلاً پاکدشت وضعیتش درست نمی‌شه... خیلی موقع‌ها اومدم پاکدشتو دوست داشته باشم، ولی هر جوری کنار اومدم نتونستم. کار من فرهنگیه. من تمام تلاشمو کردم... و تغییر تو اون بعد چیزیه که برای پاکدشت شدنی نیست؛ شیرین صد سال عقبه. پاکدشت صد سال اگر درست پیش بره درست می‌شه. هیچ‌وقت یه سری مشکلات اینجا حل نمی‌شه به‌خاطر پی‌ای که اینجا ریختن» (افشین، ۲۸ ساله، مدیر آموزشگاه، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

«آینده پاکدشتم اگر قرار باشه همین‌جوری ادامه‌دار باشه اصلاً خوب خوب نمی‌تونه بشه» (علی، ۳۴ ساله، معاملات ماشین و ملک، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

1. Social despair
2. Hage

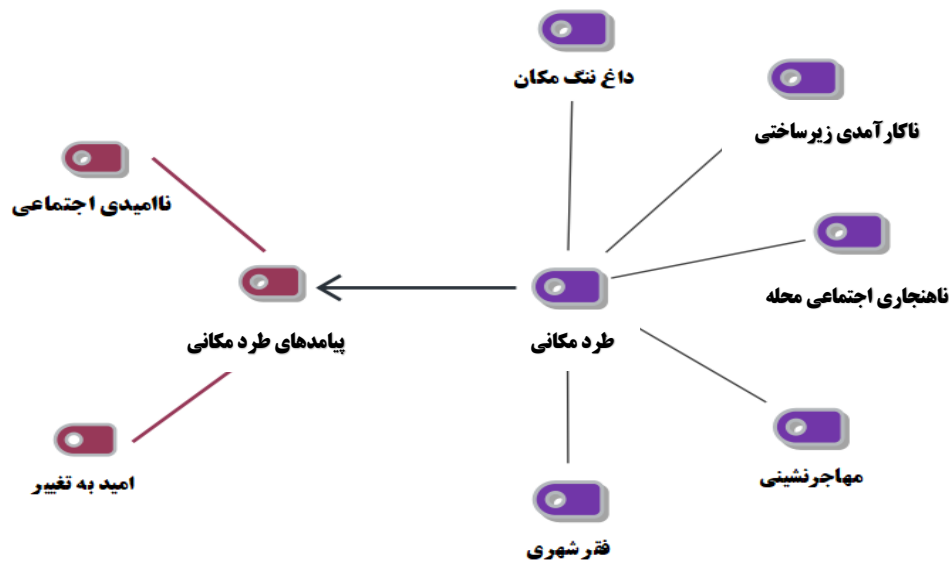
این افراد به دلیل ناتوانی در تغییر شرایط ساختاری، اغلب احساس ناامیدی کامل دارند. برخی پاسخگویان، طرد را به مثابه محرومیت از آینده توصیف کرده‌اند: «با وضعیت اقتصادی دیگه نمی‌تونیم کاری کنیم. فقط می‌تونیم کار کنیم، تلاش کنیم که زنده بمونیم» (مانیا، ۲۰ ساله، شاغل و دانشجو، ۱۸ سال ساکن پاکدشت). بنابراین، ناامیدی فردی، بازتاب ساختارهای ناعادلانه‌ای است که افراد را در موقعیت بی‌قدرتی و انفعال قرار می‌دهد و افق‌های آینده را تاریک می‌کند.

امید به تغییر^۱: لوک^۲ (۲۰۰۷: ۲۵۰) امید را بخش حیاتی عاملیت می‌داند که شامل هدف‌گذاری، شناسایی موانع و تقویت اراده است و پلی میان ساختار و عاملیت ایجاد می‌کند. آلاکوفسکا^۳ (۲۰۱۹: ۱۴) نیز امید را عملی روزمره و اخلاقی می‌داند که منبعی روانی-اجتماعی برای مقابله با شرایط نامطمئن و دشواری‌های اقتصادی است. در روایت زیر می‌توان نشانه‌هایی از امید به مثابه کنشگری خاموش یا مقاومت منفعل را دید: «ته دلم احساس می‌کنم خدا می‌گه کنارتم نترس، تو هر شرایطی که باشم تو برو جلو. آره تو زندگی برای هرکی بالا و پایین‌های خاص خودشو داره» (مجید، ۲۸ ساله، فروشنده، چهار سال ساکن پاکدشت). لوک (۲۰۰۷: ۱) معتقد است امید نیازمند اراده، شروع عمل و پایداری است و بدون این‌ها، به آرزویی بی‌ثمر یا فرار از واقعیت تبدیل می‌شود. تجربه علی، بافت اجتماعی امید را عیان‌تر می‌کند: «مسئولان شهرستان ما عاجزند... اصلاً آینده خوبی نمی‌شه متصور بود، ولی ان شاءالله که حالا ما اشتباه کنیم و من خوش‌بینم که بالاخره یکی بیاد که کارو در بیاره و آینده خوبی داشته باشیم. گفتم پاکدشت شرایط و امکانات خیلی خوبی داره برای پیشرفت. درآمد خیلی خوبی داره از شهرک‌های صنعتی و مخصوصاً مالیاتی که از کل کسبه دارن می‌گیرن، ولی هزینه نمی‌کنن برای پاکدشت، وگرنه می‌تونه یکی از بهترین شهرستان‌های استان تهران بشه» (علی، ۳۴ ساله، معاملات ماشین و ملک، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

هاشمی و همکاران (۱۴۰۱: ۵۱۲) فقر را محرکی برای مهاجرت تهیدستان شهری می‌دانند و برایانت و الارد^۴ (۲۰۱۵: ۴۸۵) معتقدند آینده محدود به فرصت‌های اندک ساختاری است. در پژوهش حاضر مهاجرت به مثابه استقامت امیدوارانه در روایت افراد در ساخت معنای آینده بیان شده است: «دوست دارم مهاجرت کنم، چون دوست ندارم دوباره با همون صحنه‌های بچگی (تو محله) مواجه بشم. یه جورایی اگه آینده‌مو بسازم، حس می‌کنم دیگه این صحنه‌ها تکرار نمی‌شه» (محمدرضا، ۱۸ ساله، بیکار، از بدو تولد ساکن پاکدشت).

پاین^۵: (۲۰۱۴: ۵۹۸) مهاجرت را فراتر از جابه‌جایی فیزیکی می‌داند و آن را فرایندی سرشار از امید به تغییرات مثبت اقتصادی و اجتماعی می‌بیند که به عنوان نیروی انگیزشی برای مقابله با مشکلات عمل می‌کند. طرد مکانی پدیده‌ای چندبعدی و نیازمند رویکردی جامع برای کاهش ناامیدی و تقویت امید به تغییر است. نمودار ۱ نشان می‌دهد این طرد در سطوح مختلف و به صورت شبکه‌ای از مضامین مرتبط بازنمایی شده و به عنوان مضمون مرکزی با مجموعه‌ای از مضامین سطح بالا و پایین و فرعی پیوند خورده است (جدول‌های ۲ و ۳ و نمودار ۱). درواقع گرچه مؤلفه‌های طرد مکانی در مکان‌های حاشیه‌ای مشابه است، تجربه طرد در پاکدشت ویژگی‌های خاصی دارد؛ همجواری تبعیض‌آمیز با پایتخت، حضور مهاجران فاقد هویت رسمی و تصویر منفی در حافظه نمادین تهران، پاکدشت را به «مکان انتقالی با حداقل امکان ارتقا» تبدیل کرده است. این وضعیت، طرد را به فرایندی مکان‌مند و چندلایه بدل کرده که در زندگی روزمره جوانان با عبارات «زباله‌دونی تهران» و «بن‌بست امید» بازتاب یافته و نیازمند تحلیل بومی در چارچوب توسعه فضایی است.

1. hope for change
2. Lueck
3. Alacovska
4. Bryant & Ellard
5. Pine



نمودار ۱. طبقه‌بندی مضامین

۵. بحث و نتیجه‌گیری

طرد مکانی به‌عنوان بعدی چندوجهی از طرد اجتماعی در جوامع شهری، فرایندی ساختاری است که با محدودسازی دسترسی گروه‌های حاشیه‌ای به منابع و فضاهای اجتماعی-اقتصادی، نابرابری و انزوای اجتماعی را تعمیق می‌کند (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کلاتری و همکاران، ۱۳۹۹). این پدیده با بازتولید فقر و برچسب‌زنی اجتماعی، هویت جمعی و فردی ساکنان را دگرگون و مشارکت اجتماعی را محدود می‌کند (کانتد و نیوهیسر، ۲۰۲۳؛ وان رگمرتل، ۲۰۱۶). همچنین محصول سیاست‌های نابرابر شهری است که انسجام اجتماعی و امید را تضعیف می‌کند (هاروی، ۲۰۰۸؛ حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۹) و در تجربه‌ی زمان‌مند ساکنان نیز نمود می‌یابد (مدنی‌پور، ۱۴۰۰).

این پژوهش به‌منظور تحلیل تجربه‌های زیسته‌ی جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله‌ی پاکدشت درباره‌ی طرد مکانی و پیامدهای اجتماعی آن، به‌ویژه در حوزه‌ی امید و ناامیدی اجتماعی، صورت گرفته است. برخلاف رویکردهای سنتی که صرفاً محدودیت‌ها را مدنظر دارند، در این مطالعه با رویکرد ساختار-عاملیت، امکان مقاومت و بازآفرینی اجتماعی در مناطق طردشده بررسی شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2024 و چارچوب تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان می‌دهد طرد مکانی جوانان پاکدشت نتیجه‌ی تعامل پیچیده‌ی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. داغ‌ننگ مکان از طریق برچسب‌های تحقیرآمیز و تصویرسازی منفی رسانه‌ای بازتولید شده و جوانان به‌دلیل محرومیت‌ها این نگرش را تقویت می‌کنند. ناهنجاری‌های اجتماعی و ضعف زیرساخت‌های شهری، همراه با خشونت نامرئی، ناامنی، بی‌تعلقی و شهروندی درجه‌دو را تشدید می‌کند. فقر شهری علاوه بر محرومیت اقتصادی، محرومیت از حقوق شهروندی را دربرمی‌گیرد که به کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی و تقویت رفتارهای منفی منجر می‌شود. رابطه‌ی طرد و مهاجرت تعاملی است؛ مهاجرت اقتصادی و حضور غیرقانونی اتباع خارجی موجب طرد مضاعف و شکاف‌های فرهنگی-اجتماعی می‌شوند. طرد مکانی فراتر از موقعیت جغرافیایی، تجربه‌ای درونی‌شده و ساختاری است که با محرومیت، نابرابری، داغ‌ننگ و عادی‌سازی خشونت معنا می‌یابد. زندگی روزمره‌ی جوانان

بیانگر پیوند جدایی‌ناپذیر میان ساختارهای پردآفرین (فقر، ضعف نظارت اجتماعی) و ذهنیت‌های شکل‌گرفته از ناامنی و بی‌تعلقی (عادی‌سازی خشونت، داغ‌ننگ) است که واقعیت اجتماعی طرد مکانی را رقم می‌زند.

برساخت معنایی طرد مکانی در میان جوانان پاکدشت در کشاکش میان امید و ناامیدی قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد مواجهه با طرد مکانی دوگانه است. برخی جوانان به ناامیدی و انفعال گرایش دارند که موجب انسداد راه‌های تغییر و کاهش کنشگری می‌شود و برخی دیگر فعالانه عاملیت خود را به کار می‌گیرند و از طریق بازتعریف هویت اجتماعی و امید به آینده به نقش‌آفرینی اجتماعی می‌پردازند. این کشاکش بیانگر تنش میان محدودیت‌های ساختاری و ظرفیت فردی برای ساخت بدیل‌های ممکن است. ناامیدی و انفعال در این میان با پژوهش‌های کراوز و همکاران (۲۰۱۲)، بریتویت (۲۰۰۴) و بیشاپ و ویلیس (۲۰۱۴) همسو است که ناکارآمدی زیرساخت‌ها و بی‌اعتمادی به تغییر را عامل اصلی می‌دانند. تجربه زیسته جوانان پاکدشت نشان می‌دهد تلاش برای بهبود شرایط اغلب ناکام مانده و این ناکامی حس بی‌قدرتی و انسداد اجتماعی را تشدید می‌کند و پذیرش منفعلانه را افزایش می‌دهد.

در مقابل، برخی جوانان با عاملیت فعال به مقاومت در برابر نابرابری‌ها می‌پردازند و امید را بازسازی می‌کنند (داگن و مونیوز، ۲۰۰۹؛ کانتد و نیوهسر، ۲۰۲۳). امید در این میان ناشی از عاملیت خلاق است که لوک (۲۰۰۷) آن را ظرفیت کنشگران برای تخیل و ساخت بدیل‌های ممکن تعریف می‌کند. برخی به کنش فردی مانند مهاجرت یا تلاش روزمره برای فرار از محدودیت‌های مکانی و فقر امید دارند (پاین، ۲۰۱۴)؛ درحالی‌که گروهی دیگر امید دینی دارند. تجربه جوانان پاکدشت نوسان میان محدودیت‌های ساختاری و عاملیت فردی را نشان می‌دهد که بر حداقل فرصت‌های ساختاری مبتنی است (برایانت و الارد، ۲۰۱۵). امید نتیجه تعادل ظرفیت میان عاملیت و ساختار است؛ عاملیت زمانی مؤثر است که امکانات مادی و اجتماعی فراهم باشد و در نبود آن، درماندگی و ناامیدی افزایش می‌یابد (مشونیس، ۱۳۹۵).

بنابراین، مفهوم طرد مکانی در پاکدشت، براساس نظریه‌های هاروی، گافمن، لوک و برایانت، محصول تعامل ساختارهای نابرابر و کنش‌های فردی است. محرومیت مکانی در سطوح اقتصادی، فرهنگی و نهادی بازتولید می‌شود و برساخت معنایی آن در ذهن جوانان، موجب تداوم داغ‌ننگ و بی‌تعلقی یا امید و عاملیت خلاق است که ضرورت توجه به سیاست‌های کلان را برجسته می‌کند. از منظر سیاست‌گذاری، برای کاهش ناامیدی و تقویت عاملیت جوانان، لازم است فرصت‌های اقتصادی، سرمایه‌های اجتماعی و بازنمایی فرهنگی مثبت از آینده پاکدشت فراهم شود. بازتعریف «فضای اجتماعی» از طریق ایجاد کانون‌های فرهنگی و اجتماعی مانند کارگاه‌های کارآفرینی، مراکز هنر و پروژه‌های مشارکتی می‌تواند به جوانان امکان بازسازی هویت و تجربه اجتماعی سالم بدهد. این فرایند «بازسازی واقعیت» چشم‌اندازها و معانی زندگی آن‌ها را در بستر جدیدی شکل می‌دهد. همچنین سیاست‌های توسعه شهری باید با نیازهای جوانان هماهنگ و فضاهای تبادل ایده و تجربه را فراهم کنند تا از انزوا و بی‌اعتمادی عبور شود. درنهایت، بازنمایی رسانه‌ای پاکدشت باید تصویر منفی را تغییر دهد و جوانان را به‌عنوان کنشگران تغییر معرفی کند.

در همین راستا، برای انجام مطالعات بعدی نیز براساس نتایج و محدودیت‌های پژوهش پیشنهادهایی ارائه می‌شود که به گسترش و تعمیق تحلیل‌های موجود کمک کند. ترکیب روش‌های کیفی با داده‌های کمی می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تری از روندهای مختلف طرد مکانی و تأثیرات آن بر جوانان مناطق مطرود کمک کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند تجربه طرد مکانی را در میان گروه‌های سنی مختلف (برای مثال سالمندان یا بزرگسالان) با توجه به بازخوردهایی که این گروه‌ها در حین انجام مصاحبه با جوانان می‌دادند، بررسی کنند تا تفاوت‌های بین نسل‌ها را در درک و تجربه طرد مکانی را نیز بررسی و تحلیل کنند. همچنین بررسی فرایندهای مختلف برساخت هویت اجتماعی در پاسخ به طرد مکانی می‌تواند به فهم بهتر چگونگی سازگاری فردی و اجتماعی افراد با تجربه‌های

مذکور کمک کند. مطالعه نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های توسعه شهری و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بر کاهش یا تشدید طرد مکانی در مناطق مختلف نیز می‌تواند به تحلیل دقیق‌تری از علل و پیامدهای طرد کمک کند.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تحلیل جامعه‌شناسی طرد اجتماعی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن در بین جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر پاکدشت»، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آزاده، منصوره‌اعظم و خواجه صالحانی، افسانه (۱۳۹۴). تشخیص محله و احساس طرد اجتماعی (مطالعه موردی شهر پاکدشت). *رفاه اجتماعی*، ۱۵ (۵۹)، ۸۹-۱۱۸. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2379-fa.html>
- حاتمی‌نژاد، حجت (۱۳۹۹). واکاوی مفهوم فلسفی فضا و فضامندی شهرها از منظر لوفور. *شباک*، ۶ (۲)، ۶۷-۸۸.
- حمید، انس، کریم، علیرضا و زار، بیژن (۱۴۰۳). مطالعه نشاط اجتماعی در شهر تهران؛ شاخص‌ها و مصادیق. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳ (۲)، ۱۶۱-۱۷۸. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369951.1471>
- دفتر مطالعات زیربنایی (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی درخصوص ماده ۵۹ قانون برنامه ششم توسعه (بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری و روستایی) (گزارش شماره ۱۷۵۳۴۰۵). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. بازپایی شده از <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1753405>
- دفتر مطالعات اجتماعی (۱۴۰۱). حاشیه‌نشینی (اسکان غیررسمی) در ایران رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات (گزارش شماره ۱۸۵۴۵) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1753875>
- رشیدی، یونس، احمدی‌پور، زهرا، عالمی، اکبر و بیات، مولود (۱۳۹۹). نقش تخیل‌پردازی جغرافیایی و بازنمایی ژئوپلیتیکی در تقسیم فضا به فضاهای ما و دیگری و خلق فضاهای ترس. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۱۶ (۴)، ۷۹-۱۰۰. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354331.1399.16.60.4.6>
- سجادیان، ناهید و دامن‌باغ، صفیه (۱۴۰۰). تحلیل جغرافیایی نقش مکان بر احساس نشاط شهروندان اهواز براساس شهر شاد. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۹ (۳)، ۷۶۱-۷۹۹. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.318477.1454>
- طاهرخانی، بهنوش و یزدانفر، عباس (۱۳۹۹). بررسی و مطالعه حاشیه‌نشینی و پدیده اسکان غیررسمی. *نشاء علم*، ۱۱ (۱)، ۹۲-۱۰۱.
- عظیمی، آزاده (۱۴۰۰). تحلیل برهم‌کنش‌های ساختار فضایی آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران. *مجله علمی آمایش سرزمین*، ۱۳ (۲)، ۵۲۳-۵۴۳. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2021.328230.670242>
- عظیمی، علیرضا، پیر اهری، نیر و پرنیان، شیده (۱۴۰۲). تبیین عوامل تأثیرگذار بر امید اجتماعی در بین شهروندان تهرانی. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱۲ (۲۳)، ۳۲۳-۳۵۸. <https://doi.org/10.22084/csr.2024.28758.2260>
- قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۹۲). طرد اجتماعی جوانان؛ ابعاد و شاخص‌ها (مطالعه‌ای در شهر تهران و حاشیه). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۲ (۱۹)، ۱-۳۹.
- قرشی، سیده مائده، ازکیا، مصطفی و مهدوی، محمدصادق (۱۳۹۴). بازتعریف جامعه‌شناختی مفهوم محله از نگاه ساکنان: مطالعه پدیدارشناسی محله کن منطقه ۵ شهر تهران. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۷ (۲)، ۲۲۱-۲۴۰. <https://doi.org/10.22059/jrd.2015.60561>
- کلانتری، بهرنگ، سجادی، ژیل و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۹). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های طرد اجتماعی در فضای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۷ (۲)، ۱-۲۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26457784.1399.7.2.1.9>

- محمدی، جمال و اداک، صائب (۱۳۹۸). حاشیه‌نشینان شهری و تجربه رنج اجتماعی (محلۀ نایسر شهر سنج). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۶ (۸۶)، ۱۵۷-۱۸۴. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.39701.2046>
- محمدی، خدیجه، مرادخانی، همایون و فرهادی، محمد (۱۴۰۰). معناسازی در شرایط طرد: مطالعه محلۀ حکمت‌آباد کرمانشاه. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۸ (۱)، ۱۸۳-۱۹۸. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.39701.2046>
- مشایخی، محمد، جعفری‌نیا، غلامرضا و پاسالارزاده، حبیب (۱۴۰۱). بررسی رابطه اعتماد به کیفیت حکمرانی و امید اجتماعی در بین جوانان شهر بوشهر. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵ (۱۲)، ۲۲۷۳-۲۲۹۴.
- مشونیس، جان (۱۳۹۵). *مسائل اجتماعی*. ترجمۀ هوشنگ نایی. جلد اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری شورای اجتماعی کشور.
- نوری، بهنام، ایزدی جبران، اصغر، علی‌زاده اقدم، محمدباقر و عباس‌زاده، محمد (۱۴۰۳). مکان‌های ننگ خورده: تحلیل زمینه‌ها و نشانگان داغ در یک سکونتگاه حاشیه‌نشین در تبریز. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۳۲۹-۳۴۴. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.364392.668813>
- هاشمی، عبدالرسول، ازکیا، مصطفی و موسوی، سید یعقوب (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی راهبردهای تهیدستان شهری برای بقا در شهر (مورد مطالعه: سرپرستان خانوارهای تهیدست شهر تهران). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۴ (۲)، ۵۱۱-۵۲۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749>
- اختر، سید میثاق (۱۴۰۲). ضریب مهاجرپذیری پاکدشت/ تلاش برای مدیریت وضعیت آرد و نان این شهرستان. مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲ از [لینک](#).

- Alacovska, A. (2019). 'Keep hoping, keep going': Towards a hopeful sociology of creative work. *The Sociological Review*, 67(5), 1118-1136. <https://doi.org/10.1177/0038026118779014>
- Azadeh M. A., & Khajeh Salehani, A. (2015). Presence of neighborhoods and the feeling of social exclusion (Case study: Pakdasht county). *refahj*. 15(59), 118-89. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2379-fa.html> (In Persian)
- Azimi, A. (2021). An analysis of the interactions of the spatial structures of social harms in Tehran. *Town & Country Planning*, 13(2), 523-543. <https://doi.org/10.22059/jtcp.2021.328230.670242> (In Persian)
- Azimi, A., Pirahari, N., & Parnian, S. (2024). Explaining the Influencing Factors on Social Hope Among Tehrani Citizens. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 12(23), 323-358. <https://doi.org/10.22084/csr.2024.28758.2260> (In Persian)
- Baars, S. W. (2014). *Place, space and imagined futures: how young people's occupational aspirations are shaped by the areas they live in* (Doctoral dissertation, University of Manchester).
- Bauman, Z. (2004). *Wasted Lives Modernity and Its Outcasts*. Polity Press. ISBN:978-0-745-63164-6.
- Baumann, H., & Yacobi, H. (2022). Introduction: Infrastructural stigma and urban vulnerability. *Urban Studies*, 59(3), 475-489. <https://doi.org/10.1177/00420980211055655>
- Binken, S., & Blokland, T. V. (2013). Everyday encounters and belonging in public spaces: findings from Rotterdam and Utrecht. In *Home: International perspectives on culture, identity and belonging* (pp. 293-311). Peter Lang.
- Bishop, E. C., & Willis, K. (2014). 'Without hope everything would be doom and gloom': young people talk about the importance of hope in their lives. *Journal of youth studies*, 17(6), 778-793. <https://doi.org/10.1080/13676261.2013.878788>
- Braithwaite, V. (2004). The hope process and social inclusion. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 592(1), 128-151. <https://doi.org/10.1111/j.1440-1665.2004.tb00234.x>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Bryant, J., & Ellard, J. (2015). Hope as a form of agency in the future thinking of disenfranchised young people. *Journal of Youth Studies*, 18(4), 485-499. <http://dx.doi.org/10.1080/13676261.2014.992310>

- Butler-Warke, A. (2020). Foundational stigma: Place-based stigma in the age before advanced marginality. *The British Journal of Sociology*, 71(1), 140-152. <https://doi.org/10.1111/1468-4446.12719>
- Counted, V., & Newheiser, D. (2024). How place shapes the aspirations of hope: the allegory of the privileged and the underprivileged. *The Journal of Positive Psychology*, 19(4), 724-731. <https://doi.org/10.1080/17439760.2023.2257654>
- Dai, H. (2022). Social Exclusion and Young People-Perspective of Social Work Aspects. *Open Journal of Social Sciences*, 10(4), 221-232. <https://doi.org/10.4236/jss.2022.104016>
- Duggan, L., & Muñoz, J. E. (2009). Hope and hopelessness: A dialogue. *Women & Performance: A Journal of Feminist Theory*, 19(2), 275-283. <http://dx.doi.org/10.1080/07407700903064946Hage>.
- Ghazinejad, M. (2013). Social Exclusion of the youths; Domensions and Indexes (case study: Tehran and Its Margins). *Strategic Studies on Youth and Sports*, 12(19), 1-39. https://faslname.msy.gov.ir/article_117.html (In Persian)
- Ghoreshi, S. M., Azkia, M., & Mahdavi, S. M. S. (2015). Sociological redefinition of the concept of neighborhood from the residents' viewpoint: A phenomenological study of Kan Neighborhood in district 5 of Tehran. *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 7(2), 49-68. <https://doi.org/10.22059/jrd.2015.60561> (In Persian)
- Hashemi, A., Azkia, M., & Mousavi, S. Y. (2023). Sociological study on the strategies of urban poor to survive in the city (Case study: Households of the urban slums in Tehran city). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 14(2), 511-528. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749> (In Persian)
- Hataminejad, H. (2020). Examining the philosophical concept of space and spatiality of cities from Lefebvre's perspective. *Shabak*, 6(2), 67-88. (In Persian)
- Hamidi, E., Karimi, A. R., & Zare, B. (2024). A Study about Indicators and Criteria of Social Vitality in Tehran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(2), 161-178. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369951.1471> (In Persian)
- Ismail, O., & Olonisakin, F. (2021). Why do youth participate in violence in Africa? A review of evidence. *Conflict, Security & Development*, 21(3), 371-399. <https://doi.org/10.1080/14678802.2021.1933035>
- Junnilainen, L. (2020). Place narratives and the experience of class: Comparing collective destigmatization strategies in two social housing neighborhoods. *Social Inclusion*, 8(1), 44-54. <http://dx.doi.org/10.17645/si.v8i1.2310>
- Kalantari, B., Sajadi, J., & Razaviyan, M. (2020). Evaluation and analysis of social exclusion indicators in urban space (Case study: district 12 of Tehran city). *Journal of Urban Social Geography*, 7(2), 1-26. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26457784.1399.7.2.1.9> (In Persian)
- Mair, C., Kaplan, G. A., & Everson-Rose, S. A. (2012). Are there hopeless neighborhoods? An exploration of environmental associations between individual-level feelings of hopelessness and neighborhood characteristics. *Health & place*, 18(2), 434-439. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2011.12.012>
- Lueck, M. A. M. (2007). *Hope for a cause as cause for hope: The need for hope in environmental sociology*. The American Sociologist, 3, 250-261. Springer Science and Business Media LLC.
- Madanipour, A. (2020). Social exclusion, space, and time. In *The City Reader* (pp. 206-216). Routledge. <http://dx.doi.org/10.4324/9780429261732-27>
- Mains, D. (2011). *Hope is Cut: Youth, unemployment and the future in urban Ethiopia*. Philadelphia: Temple University Press.
- Mashayekhi, M., Jafarinia, G., & Pasalarzadeh, H. (2022). study the relationship between trust in the quality of governance and social hope among the youth of Bushehr city. *Political Sociology of Iran*, 5(12), 2273-2294. (In Persian)
- Mohammadi, J., & Adak, S. (2019). Urban Slums and the Experience of Social Suffering (Case Study: Nayssar in Sanandaj). *Social Sciences*, 26(86), 157-184. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.39701.2046> (In Persian)
- Mohammadi, K., Moradkhani, H., & Farhadi, M. (2021). Meaningfulness in exclusion: Study of Hekmatabad neighborhood of Kermanshah. *Sociological Studies*, 28(1), 183-198. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.39701.2046> (In Persian)

- Montgomery, M. R. (2008). The urban transformation of the developing world. *science*, 319(5864), 761-764.
<https://doi.org/10.1126/science.1153012>
- Nouri, B., Izadijeiran, A., Alizadeh Aghdam, M., & Abbaszadeh, M. (2025). Stigmatized Places: Analysis of the Contexts and Symptoms of Stigma in a Marginal Settlement in Tabriz. *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 16(2), 329-344. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.364392.668813> (In Persian)
- Nowosielski, M. (2012). Challenging urban exclusion? Theory and practice. *Polish Sociological Review*, 179(3), 369-383. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ss0ar-69631-5>
- Pine, F. (2014). Migration as hope: space, time, and imagining the future. *Current Anthropology*, 55(S9), S95-S104.
<https://doi.org/10.1086/676526>
- Rashidi, Y., Ahmadypoor, Z., Alemi, A., & Bayat, M. (2020). The Role of Geographical Imagination and Geopolitical Representation in Dividing Space/Place into "our" and "their". *Geopolitics Quarterly*, 16(4), 79-100. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354331.1399.16.60.4.6> (In Persian)
- Rodgers, D., & O'Neill, B. (2012). Infrastructural violence: Introduction to the special issue. *Ethnography*, 13(4), 401-412. <https://doi.org/10.1177/1466138111435738>
- Sajadian, N., & Damanbagh, S. (2021). Geographical analysis of the effect of place (objective environment) on the sense of happiness of Ahvaz citizens based on the happy city approach. *Urban Geography and Planning Research*, 9(3), 761-799. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.318477.1454> (In Persian)
- Stockdale, K. (2019). Social and Political Dimensions of Hope. *Journal of Social Philosophy*, 50(1).
<https://doi.org/10.1111/josp.12270>
- Taherkhani, B., & Yazdanfar, A. (2020). Investigation and study of the marginalization and the phenomenon of the informal settlement. *Science Cultivation*, 11(1), 92-101. (In Persian)
- UN-Habitat. (2020). *World Cities Report 2020: The Value of Sustainable Urbanization*. <https://unhabitat.org/world-cities-report-2020-the-value-of-sustainable-urbanization>
- Van Regenmortel, S., De Donder, L., Dury, S., Smetcoren, A. S., De Witte, N., & Verté, D. (2016). Social exclusion in later life: A systematic review of the literature. *Journal of Population Ageing*, 9(4), 315-344.
<https://doi.org/10.1007/s12062-016-9145-3>
- Vela-Jiménez, R., & Sianes, A. (2021). Do current measures of social exclusion depict the multidimensional challenges of marginalized urban areas? Insights, gaps and future research. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(15), 7993. <https://doi.org/10.3390/ijerph18157993>
- Wacquant, L. (2023). *Bourdieu in the city: Challenging urban theory*. Cambridge, Polity Press
- Walker, R. (2014) *The shame of poverty. "Poverty, Shame, and Stigma"* Oxford, UK: Oxford University Press.
- Wood, B. (2015). Border Spaces: Geographies of Youth Exclusion, Inclusion, and Liminality. In: Nairn, K., Kraftl, P., Skelton, T. (eds) *Space, Place and Environment. Geographies of Children and Young People*, vol 3. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-4585-90-3_21-1